

Analyzing the violence of football players from the perspective of criminal law

Seyyed Mahdi Akbari

Graduated from the Master's Degree in Criminal Law and Criminology at the Al-Mustafa Al-Alamiyah Society. Akbari.Mahdi.seyed@gmail.com

Abstract

Objective: The aim of this research is to examine and analyze the violence of football athletes from a criminal law perspective, with an emphasis on criminal law evidence. **Materials and Methods:** This research was conducted using a library study method and a descriptive-analytical approach, in which the necessary information was obtained and analyzed by referring to criminal law evidence.

Findings: Soccer is one of the most popular sports among people in the world. While this sport provides mental and physical health, it is also a place where various dangers and injuries occur, which sometimes lead to limb defects or even death. Sports violence is behavior that occurs outside the rules and regulations of sports, causes intentional harm, and is not directly related to the competitive goals of sports. Accordingly, criminal law must play an intelligent and proactive role in this regard. The main question of the present study is: "What requirements and solutions does criminal law have regarding violence among football athletes?" The hypothesis of the present study is that Iranian criminal law has shortcomings regarding violence among football athletes, the most important of which is the lack of attention of Iranian criminal lawmakers to the principle of "group-based legislation."

Conclusion: Criminal law should take proactive measures regarding violence by football players. The most important action in this regard is to develop a comprehensive law with the cooperation and assistance of experts from other fields, including psychology. Today, given the complexities of social relations and the interrelationships of law with other social matters, including politics, economics, sociology, and psychology, it is necessary for lawmaking to be carried out by a group

of experts from various fields. Of course, the solution to the problem should not be pursued solely in criminal law, but holding anger control and management classes

and other preventive measures are also effective and fundamental steps that authorities in this field should take.

Keywords: Violence, sports violence, bold behavior, violent behavior in football, criminal law.

Received: 2024/02/29 ; **Revised:** 2024/05/01 ; **Accepted:** 2024/06/18; **Published online:** 2024/06/25

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



تحلیل خشونت ورزشکاران فوتبال از منظر حقوق کیفری

سید مهدی اکبری: دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی جامعه المصطفی العالمیه.

Akbari.Mahdi.seyed@gmail.com

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش آن است که خشونت ورزشکاران فوتبال از منظر حقوق کیفری را با تاکید بر ادله حقوق کیفری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به ادله حقوق کیفری اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: فوتبال یکی از پرطرفدارترین رشته‌های ورزشی بین مردم دنیاست. این ورزش همان طور که موجب نشاط روحی و سلامت بدنی می‌گردد، محل بروز انواع خطرات و ایراد ضرب و جرح‌هایی است که گاه به نقص عضو و یا حتی مرگ منتهی می‌گردد. خشونت ورزشی رفتاری است که خارج از قواعد و مقررات ورزشی رخ می‌دهد، سبب آسیب عمدی می‌گردد و ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد. بر این اساس حقوق کیفری باید مواجهه‌ای هوشمندانه و فعالانه در این زمینه ایفا نماید. پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه «حقوق کیفری در خصوص خشونت ورزشکاران فوتبال چه الزامات و راهکارهایی دارد؟». فرضیه پژوهش حاضر آن است که حقوق کیفری ایران در زمینه خشونت ورزشکاران فوتبال، کاستی‌های دارد که مهمترین آنها عدم توجه قانون‌گذار کیفری ایران به اصل «گروهی بودن قانونگذاری» است.

نتیجه‌گیری: حقوق کیفری در خصوص خشونت ورزشکاران فوتبال باید اقداماتی فعالانه انجام دهد. مهمترین اقدام در این زمینه تدوین قانون جامع با همفکری و مساعدت متخصصان سایر رشته‌ها از جمله روانشناسی است. امروزه با توجه به پیچیدگی‌های روابط اجتماعی، مناسبات متقابل حقوق با دیگر امور اجتماعی از جمله سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روانشناسی، لازم است وضع قانون به دست گروهی متخصص از رشته‌های گوناگون باشد. البته نباید تنها راهکار مساله را در حقوق کیفری دنبال کرد بلکه برگزاری کلاس‌های کنترل و مدیریت خشم و دیگر تدابیر پیشگیرانه نیز گام موثر و اساسی است که مسئولین امر در این حوزه باید بردارند.

کلید واژه ها: خشونت، خشونت ورزشی، رفتار جسورانه، رفتار خشن در ورزش فوتبال، حقوق کیفری.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

© نویسندگان.

تاریخ دریافت: 1402/12/19

تاریخ اصلاح: 1403/06/10

تاریخ پذیرش: 1403/07/01

تاریخ انتشار آنلاین:

1403/07/05

مقدمه

فوتبال به عنوان یکی از ورزش‌های محبوب و پرطرفدار، جایگاهی ویژه در جوامع امروز یافته است. اهمیت این رشته ورزشی به حدی است که حتی افرادی که به آن علاقه‌ای ندارند، نمی‌توانند نقش و اثرات گسترده آن را در ابعاد مختلف انکار کنند. فوتبال امروز تنها یک سرگرمی نیست؛ بلکه به صنعتی عظیم تبدیل شده است که مخاطبان میلیونی و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چشمگیری دارد.

ویژگی اصلی فوتبال، یعنی پرطرفدار بودن، پربیننده‌ترین بودن، و پرحاشیه بودن آن، نشان‌دهنده گستردگی آثار این ورزش در سطح جهان است. شواهدی چون تعطیلی جلسات مهم سیاسی و اقتصادی در زمان برگزاری مسابقات حساس، یا استفاده از فوتبال به عنوان ابزاری در عرصه سیاست بین‌الملل، همگی بیانگر اهمیت بی‌نظیر این ورزش هستند. حتی رؤسای فدراسیون‌های فوتبال در سطح ملی، قاره‌ای و جهانی اغلب در گروه افراد بانفوذ سیاسی قرار دارند.

همان طور که ورزش‌ها سبب نشاط روحی و سلامت بدنی می‌شوند، گاه می‌توانند منجر به حوادث ناگوار نیز شوند؛ از آسیب‌های جسمی تا موارد جدی‌تر مانند نقص عضو یا حتی مرگ، که نشان‌دهنده دوگانگی اثرات ورزش‌های رقابتی از جمله فوتبال است.

«خشونت ورزشی» را می‌توان با الهام از تعریف خشونت چنین تعریف کرد:

«خشونت ورزشی، رفتاری است که خارج از قواعد و مقررات ورزشی رخ می‌دهد، سبب آسیب عمدی می‌گردد و ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد. آسیب رساندن به دیگری، روش‌های بسیار زیادی دارد که می‌تواند شامل تحقیر، اهانت، دشنام یا تلاش برای آسیب جسمی باشد. هدف آسیب رساندن نیز،

تحمیل نوعی درد و رنج فیزیکی یا روانی است» (محسنی تبریزی و رحمتی ۱۳۸۱: ۱۲۹).

در پژوهش حاضر، پرسشی کلیدی مطرح شده است که حقوق کیفری برای مقابله با خشونت ورزشکاران در فوتبال با چه چالش‌ها و موانعی روبه‌روست که نمی‌تواند به‌طور کامل از ظرفیت‌های خود بهره‌برد و ناچار است به مجازات‌های شدید متوسل شود؟ بر این اساس، نویسندگان این نوشتار تلاش کرده‌اند تا با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، پاسخ مناسبی به این پرسش ارائه کنند. به منظور گردآوری اطلاعات، به منابع مختلفی نظیر کتب، نشریات، پایان‌نامه‌ها، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی، و همچنین برقراری ارتباط با اساتید، پژوهشگران، رئیس پیشین کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال مراجعه شده است.

در این پژوهش، با توجه به اینکه تمامی رفتارهای خشونت‌آمیزی که از سوی یک ورزشکار در فوتبال رخ می‌دهد، لزوماً از یک نوع نیستند و حتی برخی مهارت‌های این رشته ورزشی، علی‌رغم همراهی با خشونت، جزء رفتارهای مجاز به شمار می‌روند، تلاش شده است تا انواع مختلف خشونت بازیکنان فوتبال بررسی و تفکیک شود. برای این منظور، پژوهش در سه بخش مجزا انجام شده است:

ابتدا به بررسی خشونت‌های فیزیکی در فوتبال پرداخته شده است. در ادامه، خشونت مرزی یا بینابین که مرز میان رفتار مجاز و غیرمجاز را در بر می‌گیرد، بررسی گردیده است. نهایتاً در بخش سوم، خشونت مجرمانه در این رشته ورزشی مورد تحلیل قرار گرفته است. هر یک از این بخش‌ها با ذکر مثال‌ها و مصادیق مرتبط توضیح داده شده‌اند.

پس از تحلیل این موارد، واکنش حقوق کیفری به هر نوع خشونت مشخص گردیده و راهکارهای قانون‌گذاری برای مقابله با آن مورد بحث قرار گرفته است. در پایان هر بخش نیز چالش‌هایی که حقوق کیفری در مواجهه با انواع خشونت ورزشکاران فوتبال با آنها مواجه است، بیان شده‌اند.

1- برخورد فیزیکی خشن

به‌طور کلی در بسیاری از ورزش‌های برخوردی مانند فوتبال، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از رقابت تلقی می‌شود و در موفقیت بازیکن و تیم نقش مهمی ایفا می‌کند. با این حال، آنچه در اینجا از خشونت صحبت می‌شود، به رفتار "جسورانه" تعبیر شده و به‌عنوان یکی از عواملی شناخته می‌شود که به جذابیت رشته‌های ورزشی کمک

می‌کند. این نوع خشونت مجاز نه تنها تخلف محسوب نمی‌شود، بلکه در برخی از ورزش‌ها چنان اهمیت دارد که به‌عنوان یکی از چند معیار موفقیت بازیکنان در آن‌ها شناخته می‌شود.

به‌صورت کلی، در حوزه ورزش زمانی که فرد تلاش می‌کند حقوق خود را بدون آسیب رساندن به دیگران کسب کند، از او با عنوان "ورزشکار جسور" یاد می‌شود. بر اساس توضیحات ارائه‌شده، رفتار جسورانه این‌گونه تعریف می‌شود: «رفتار جسورانه از جمله رفتارهای پر قدرت، قابل قبول، فعال و شدیدی است که بدون قصد آزار یا آسیب به دیگران و در چارچوب قوانین ورزشی انجام می‌شود» (واعظ موسوی و شجاعی، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

ورزشکاری که با قدرت و هیجان فعالیت می‌کند اما در محدوده قوانین بازی باقی می‌ماند، رفتارهایش به‌عنوان قاطعانه یا شجاعانه تلقی می‌شود و نه خشونت‌آمیز. در رفتار جسورانه، بازیکنان تنها از نیروی خود به شیوه‌ای کنترل‌شده و در چارچوب مقررات استفاده می‌کنند.

با توجه به ویژگی‌هایی که برای این نوع خشونت بیان شد، بر اساس بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، امکان برخورد قانونی با چنین خشونتی در ورزش فوتبال وجود ندارد. زیرا برای جرم انگاشتن اینگونه حوادث ورزشی، باید یکی از دو شرط مطرح‌شده در این بند ثابت شود. طبق شرط اول، لازم است نشان داده شود که عامل حادثه، نقض مقررات مربوط به آن ورزش بوده است؛ اما همان‌طور که در مثال فوق اشاره شد، چنین حوادثی اغلب در جریان اجرای یک مهارت ورزشی رخ می‌دهند و معمولاً ارتباطی با نقض قوانین ندارند. بنابراین، از این منظر نمی‌توان این نوع خشونت را جرم تلقی کرد همچنین باید بتوان اثبات کرد که قوانین ورزش با موازین شرعی در تضاد هستند. البته، اثبات این موضوع به‌ویژه در مورد ورزشی مانند فوتبال که از سابقه طولانی و ساختار بسیار گسترده‌ای برخوردار است، کاری دشوار و شاید غیرممکن به نظر می‌رسد.

با توجه به موضوع مطرح‌شده، می‌توان بیان کرد که دلیل عدم جرم‌انگاری برخوردهای فیزیکی و خشونت‌آمیز در ورزش، و همچنین چالش اصلی حقوق جزا در مواجهه با این نوع خشونت، به پیوند عمیق این خشونت‌ها با ماهیت ورزش بازمی‌گردد. این مسئله علم حقوق را در دوراهی‌ای قرار داده که آیا باید اولویت را به پیشگیری از خطرات و آسیب‌ها داده و بازی‌های خطرناک را ممنوع کند، یا به تمایلات جامعه، به‌ویژه جوانان پاسخ مثبت دهد و پذیرای مخاطرات باشد.

به همین خاطر باید اذعان کرد رویکرد قانون گذاری ایران در خصوص خشونت های مرتبط با فوتبال تحت تأثیر فشار افکار عمومی و منافع هم چون سیاسی، اقتصادی و اخلاقی ورزش فوتبال شکل گرفته که می توان از آن به عنوان خواست عرف یاد کرد. این عوامل موجب شده تا دست قانون گذار برای مقابله با چنین خشونت هایی محدود شود و در مواجهه با این موارد موضعی اتخاذ کند که چاره ای جز پذیرفتن این نوع خشونت ها به عنوان بخشی از ماهیت ورزش نداشته باشد.

2- خشونت بینابین

خشونت مرزی یا بینابینی، نوع دیگری از رفتارهای خشونت آمیز ورزشکاران است که در جریان مسابقات رخ می دهد و به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از هر ورزش، توسط عوامل درگیر در آن پذیرفته شده است. این رفتارها حتی در آمار پایانی بازی های فوتبال، کنار مواردی مانند تعداد ضربات کرنر، آفساید و شوت ها به دروازه حریف، شمار خطاها و کارت های زرد و قرمز دریافت شده توسط هر تیم ذکر می شوند. (زارعی و دیگران، 1388: 61)

از نمونه های این نوع خشونت در فوتبال می توان به تکل زدن برای تصاحب توپ که پیش از لمس آن موجب برخورد با بازیکن حریف می شود، تنه زدن برای برهم زدن تعادل بازیکن مقابل، پریدن روی او، ضربه زدن یا تلاش برای ضربه زدن به حریف، و بالا آوردن پا جهت دفع توپی اشاره کرد که قصد حریف، ضربه سر به آن بوده است. این رفتارها معمولاً جزو موارد قابل بحث در چارچوب این شکل خشونت قرار می گیرند.

اگرچه این نوع خشونت ممکن است با محدودیت های قانونی متعددی همراه باشد و اغلب این حرکات با نقض قوانین ورزشی توأم است، اما گاهی مشاهده می شود که برخی مربیان که پایبند به اصول اخلاقی و بازی جوانمردانه نیستند و شعار «پیروزی به هر قیمت» را دنبال می کنند، بازیکنان خود را تشویق به انجام چنین حرکاتی می کنند. هدف آنها از این اقدامات معمولاً از کار انداختن بازیکن کلیدی تیم حریف است.

آسیب های ناشی از این نوع خشونت گاهی چنان شدید است که زندگی ورزشی بازیکن مصدوم را برای همیشه پایان می دهد و او را خانه نشین می کند. حتی اگر بعد از مدتی طولانی به میدان ورزش بازگردد، عملکردش به هیچ

وجه به سطح دوران اوج خود نمی‌رسد. با توجه به اینکه این نوع خشونت به‌عنوان بخشی از ورزش شناخته می‌شود، شناسایی نمونه‌ها و مصادیق آن چندان دشوار نیست.^۱

این نوع خشونت، که همراه با نقض مقررات ورزشی است، باید بر اساس بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم تلقی شود و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شود. اما همان‌طور که در ادامه ذکر خواهد شد، به دلیل محدودیت‌هایی که حقوق کیفری در برخورد با این نوع خشونت دارد، این موضوع بر اساس متن قانون مجازات اسلامی به‌طور مستقیم مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. در مقابل، آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال امکان ارجاع چنین مواردی به دادگاه کیفری را، جهت رسیدگی به آسیب‌ها و صدمات وارد شده به بازیکنان، در ذیل بند «ج» ماده ۳۹ پیش‌بینی کرده است.

به نظر می‌رسد که بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی بازیکن خاطی، که معمولاً همراه با نقض قوانین است، نوعی تقصیر تلقی شده و طبق ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی فرد آسیب‌زننده ملزم به پرداخت دیه خواهد بود.

در واقعیت، خشونت مرزی به عنوان بخشی از خشونت رایج در بازی فوتبال پذیرفته شده و باعث شده است تا اعتبار قانون لازم‌الاجرای مجازات اسلامی کمرنگ شود. به عبارت دیگر، این نوع خشونت، گرچه با نقض قوانین ورزشی همراه است، اما چنین نقضی در بسیاری موارد به عنوان یک رفتار نابهنجار و کج‌روی معمول در ورزش پربرخورد فوتبال تلقی می‌شود. این امر حتی در بازی‌های دوستانه و تمرینات تیم‌ها نیز مشاهده شده و گاه حوادث متعددی در نتیجه همین خشونت‌ها رخ می‌دهد.

^۱- به‌عنوان نمونه می‌توان به دیدار دوستانه‌ی سال ۲۰۰۶ بین تیم ملی فرانسه و چین اشاره کرد که در این بازی تکی‌خشن از سوی «شان‌دونگ لی» باعث شد پای یکی از بهترین بازیکنان تیم فرانسه به نام «جبریل سیسه» طوری از استخوان ساق بشکند که گویی پای وی از محل شکستگی قطع شده و تنها جوراب ورزشی وی است که مانع جدا شدن پای او است.

بر اساس آیین نامه انضباطی فدراسیون فوتبال نیز، اگر این نوع خشونت به تشخیص داور ناشی از بی احتیاطی یا استفاده از نیروی بیش از حد باشد، یک خطای فنی به نفع تیم مقابل اعلام می شود. همچنین در صورت شدت زیاد خشونت، خاطی ممکن است با کارت قرمز مجازات شود.

3- خشونت مجرمانه

خشونت مجرمانه در عرصه ورزش، به ویژه در سطوح حرفه ای، به یکی از چالش های جدی تبدیل شده که روح ورزش را تحت تأثیر قرار داده و از اهداف والا و آرمانی آن فاصله گرفته است. همان طور که اشاره شد، رفتارهای ناهنجار، انحرافات اخلاقی، و کج روی های رفتاری در میان مدیران و فعالان حوزه ورزش، به وضوح قابل مشاهده هستند. این مسائل موجب شده اند ضرورت پژوهش و توسعه رشته ای با عنوان «حقوق ورزشی» برای رسیدگی به این نابهنجاری ها بیش از هر زمان دیگری احساس شود. (صفری، 1393: 89-90)

در سال های اخیر، ورزش حرفه ای و قهرمانی بیشتر تحت تأثیر تجارت، صنعت، سیاست، و اقتصاد قرار گرفته و توجه اندکی به اهداف فردی ورزشکاران و نیازهای واقعی آنها نشان داده شده است. در نتیجه، هدف هایی همچون تقویت سلامت جسمی، آمادگی جسمانی، و رشد فنی نیز به خدمت سایر اهداف بیرونی و اجتماعی درآمده اند. این روند، نوعی نگرش مبتنی بر موفقیت به هر قیمتی را به وجود آورده که امروز سایه سنگین خود را بر ساختار ورزش افکنده و در حال گسترش است.

تسلط این نگرش به حدی است که بازی قانونی و رعایت قوانین ورزشی نیز نتوانسته جایگاه و گسترش مناسبی بیابد، چه برسد به تحقق بازی منصفانه و اخلاقی که همواره از اصول بنیادین ورزش بوده است. همین تغییر مسیر موجب شده تا نیاز به بازنگری در فرهنگ ورزشی و تأکید بر اصول اخلاقی بیش از پیش ضرورت پیدا کند.

محققان خشونت مجرمانه را به دو نوع تقسیم کرده اند: 1- خشونت مجرمانه آنی 2- خشونت مجرمانه محض.

در «خشونت مجرمانه آنی» شاهد رفتاری هستیم که قوانین رسمی ورزشی و حتی هنجارهای پذیرفته شده از سوی ورزشکاران را زیر پا می گذارد. نمونه هایی از این نوع خشونت در ورزش فوتبال شامل تکل از پشت روی پای بازیکن، لگد زدن، پشت پا زدن، ضربه با آرنج به بازیکنی که در حال زدن ضربه سر است، و خطاهای آشکاری

است که سلامت بازیکنان و جریان طبیعی بازی را مختل می کند. این رفتارها عمدی و آشکار بوده و معمولاً در هنگام اجرای مهارت های ورزشی و زمانی که بازی در جریان است، رخ می دهند. برخی ورزشکاران این نوع خشونت را به شکل بسیار ماهرانه ای انجام می دهند و اغلب از نگاه داور پنهان می ماند. ورزشکاران، تماشاگران و حتی عموم مردم چنین رفتارهایی را محکوم کرده و با آن مخالفاند.

وجه مشترک بین خشونت مجرمانه آنی و خشونت مرزی در نقض قوانین ورزشی است. در هر دو نوع خشونت، قوانین بازی زیر پا گذاشته می شود. اما تفاوت اصلی بین این دو نوع خشونت در ماهیت عمل ارتكابی نهفته است. در خشونت مرزی، عمل ارتكابی معمولاً از رفتارهای مجاز در ورزش محسوب می شود (مانند تکل در فوتبال)، اما شیوه یا نحوه اجرای آن موجب تبدیل شدن به خشونت می گردد؛ به این معنا که ذات عمل غیرمجاز نیست، بلکه نحوه اجرا و شدت آن غیرقانونی تلقی می شود.

در مقابل، در خشونت مجرمانه آنی، اگرچه فعل ارتكابی در جریان بازی صورت می گیرد، اما خود عمل ذاتاً غیرمجاز و خلاف قوانین ورزش است. به عبارت دیگر، ماهیت رفتار کاملاً غیرقانونی تلقی می شود و ارتباطی به شدت یا نحوه اجرا ندارد.

با توجه به ویژگی های ذکر شده، می توان این نوع خشونت را «رفتار غیرورزشی آنی» نیز نامید؛ زیرا معمولاً بدون پیشینه قبلی و به صورت ناگهانی رخ می دهد. جالب اینکه بازیکنان پس از مشاهده فیلم حرکات خشونت آمیز خود، غالباً اذعان می کنند که رفتارشان ناآگاهانه بوده و کنترل خود را از دست داده اند.

در این نوع خشونت، برخلاف خشونت مرزی، فرد خاطی نمی تواند ادعا کند که قصد ضربه زدن نداشته یا به دنبال دفع توپ بوده است؛ چراکه رفتار او با اصول و قواعد مجاز ورزش سازگاری ندارد و به همین دلیل هیچ توجیهی برای او باقی نمی ماند.

به نظر می‌رسد خشونت مجرمانه آنی در ورزش از مصادیقی باشد که با توجه به ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی نیازمند پیگیری قانونی است. حتی در مواردی که عمدی بودن این خشونت آشکار است، اعمال مجازات قاطع و مطابق قانون ضروری به نظر می‌رسد. این نوع خشونت در ورزش می‌تواند با عناوین مجرمانه‌ای مانند ضرب و جرح عمدی یا شبه‌عمدی تطبیق داده شود.

نکته قابل توجه این است که چرا قانون‌گذار با وجود وقوع اتفاقات ناگوار از جمله مورد مطرح شده در این بحث، اقدام جدی برای مقابله با چنین خشونت‌هایی انجام نداده است. متأسفانه تا وقتی که این نوع خشونت منجر به قتل، نقص عضو یا جراحات سنگین نشود، به دادگاه کشیده نمی‌شود و اقدامات قانونی کافی در قبال آن صورت نمی‌گیرد.

اما در «خشونت مجرمانه محض»، نه تنها قوانین ورزشی به‌وضوح نادیده گرفته می‌شوند، بلکه ورزشکاران دست به نقض هنجارهای اساسی اجتماعی نیز می‌زنند. این نوع خشونت در ورزش، چه از طرف ورزشکاران و چه از سوی تماشاگران یا سایر افراد جامعه، همواره محکوم بوده و مرتکبان آن باید توسط مراجع قانونی مورد پیگرد قرار گیرند. نمونه‌ای بارز از این خشونت، حمله به حریف یا درگیر شدن با او خارج از زمان مسابقه یا در شرایطی که بازی به علت خاصی متوقف شده است، محسوب می‌شود. این رفتارها که معمولاً در رویدادهای ورزشی، به‌ویژه فوتبال، مشاهده می‌شوند، می‌توانند به آسیب‌های جسمی جدی و حتی مرگ منجر شوند. (کاشف و شیدایی، ۱۳۸۹: ۱۲؛ شکری، ۱۳۹۱: ۷۸)

در چنین مواردی، امکان فرار از تعقیب قانونی وجود ندارد و نمی‌توان به دلیل وقوع این اعمال در فضای ورزشی، برچسب «جرم» را از آن‌ها حذف کرد. پس از اتمام یا توقف بازی، ورزشکارانی که با اعمال خشونت‌آمیز به دیگران آسیب می‌زنند، باید مانند افراد عادی که در زندگی روزمره ممکن است به نزاع بپردازند، مورد رسیدگی قانونی قرار گیرند. نباید صرفاً به دلیل ورزشکار بودن افراد یا حضور آنان در میدان ورزشی، نگاه متفاوتی به این اعمال داشت. بالاین حال، مشاهده می‌شود که علی‌رغم شباهت‌های موجود میان این نوع خشونت و جرایم مشابه خارج از محیط

ورزشی، تأکید بر نگاه ورزشی به چنین خشونت‌هایی باعث شده است تا در فوتبال غالباً تنها جریمه نقدی یا محرومیت‌های موقت توسط کمیته انضباطی برای فرد خاطی تعیین شود، و از مجازات‌های قانونی سنگین خبری نباشد.

نکته قابل توجه این است که وجه اشتراک میان خشونت مجرمانه و خشونت آنی در این است که هر دو به عنوان افعال غیرمجاز در ورزش شناخته می‌شوند. اما تفاوت مهم میان این دو نوع خشونت آن است که خشونت مجرمانه محض ناشی از یک لحظه از دست دادن کنترل روانی نیست، بلکه غالباً مدت زمان طولانی ادامه می‌یابد. ویژگی دیگر خشونت مجرمانه محض، وقوع آن در زمانی است که بازی جریان ندارد یا برای مدتی متوقف شده است؛ در حالی که سایر انواع خشونت معمولاً در طول زمان بازی اتفاق می‌افتند.

نمونه‌های متعددی از این نوع خشونت، چه داخلی و چه خارجی، قابل ذکر هستند. به عنوان مثال، می‌توان به درگیری میان بازیکنان تیم‌های پرسپولیس و استیل آذین در سال ۱۳۹۰ اشاره کرد

باید گفت که سیاست کیفری اتخاذ شده در قبال چنین نوع خشونت‌هایی که به عنوان شدیدترین و زشت‌ترین انواع خشونت در ورزش شناخته می‌شود، به هیچ وجه با ویژگی‌های این نوع خشونت تناسب ندارد. دلیل اصلی آن را می‌توان در نگاهی یافت که رفتار فرد متخلف در مکان ورزشی، که با نادیده گرفتن قواعد بازی و تجاوز به اصول عمومی حقوق کیفری به دیگران آسیب می‌رساند، به چشم تسامح دیده می‌شود. با این حال، برخی بر این باورند که استفاده بیش از حد کمیته انضباطی از جریمه نقدی نه تنها جنبه سرکوبگری و پیشگیرانه ندارد، بلکه حتی خاصیت لازم برای مقابله با این نوع خشونت را نیز از دست داده است. بیش از حد به جریمه محوری و سیاست مبتنی بر تسامح پرداخته شده و نتیجه آن، عدم مقابله موثر با این رفتارهای خشونت‌آمیز است.

در همین راستا باید اشاره کرد که این نوع خشونت هیچ تناسبی با مبانی عدم مسئولیت کیفری در عملیات ورزشی ندارد. نمی‌توان از امتیازات مربوط به معافیت مسئولیت کیفری در مورد چنین رفتارهایی بهره گرفت. مبنای اصلی این معافیت‌ها معمولاً فقدان قصد مجرمانه است؛ یعنی در تمرینات و رقابت‌های ورزشی، انگیزه‌هایی نظیر کینه، نفرت و دشمنی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. بنابراین، حوادث ناشی از عملیات ورزشی به دلیل فقدان قصد مجرمانه، جرم محسوب نمی‌شوند. اما در مواردی که خشونت عمدی و با سوءنیت اتفاق می‌افتد، نمی‌توان از این مبنا برای رد

مسئولیت کیفری استفاده کرد، خصوصاً اگر این خشونت در زمانی رخ دهد که بازی خارج از جریان است و بازیکنان آگاهانه به یکدیگر آسیب می‌زنند.

نظریه رضایت مجنی‌علیه برای توجیه این گونه خشونت‌ها نیز قابل پذیرش نیست. طبق این نظریه، بازیکنی که در مسابقه شرکت می‌کند، رضایت ضمنی خود را نسبت به خطرات، صدمات و تنش‌های معمول پذیرفته است. هرچند، در سال‌های اخیر، این اصل با تعدیل‌هایی روبه‌رو شده است. از جمله کارشناسان حقوقی بر این باورند که رضایت بازیکنان برای اعمال خشونت عامدانه نمی‌تواند مستند قانونی باشد؛ چراکه هیچ ورزشکاری رضا به حمله یا خشونت بیش از حد نمی‌دهد.

این نوع خشونت همچنین مطابق عرف و قانون نیز غیرقابل قبول است. نه عرف عمومی چنین رفتارهایی را تایید می‌کند، نه قانون آن‌ها را مجاز می‌داند. پس باید پرسید چرا برخورد مناسبی با چنین خشونت‌هایی صورت نمی‌گیرد؟ نظر برخی حقوق‌دانان این است که چالش عمده مربوط به عدم طرح پرونده‌های مربوطه در محاکم کیفری است. با وجود اینکه این نوع خشونت‌ها فاقد هرگونه مبنا برای عدم مسئولیت کیفری در ورزش است، همچنان از ارجاع آن‌ها به دادگاه پرهیز می‌شود.

برخی حقوق‌دانان معتقدند که سیاست کیفری موجود در مقابله با خشونت‌های ورزشی مانع از ارجاع چنین مواردی به محاکم کیفری شده است. مسئولان ورزش بیشتر تمایل دارند که مأموران امنیتی حاضر در ورزشگاه‌ها طی دوره‌ای چندساله حذف شوند و مسئولیت تأمین امنیت به باشگاه‌ها سپرده شود. این سیاست کلی که مبتنی بر "پلیسی نشدن ورزش" تعریف شده، ممکن است یکی از دلایل عدم رسیدگی کافی به خشونت‌های ورزشکاران باشد.

نتیجه گیری

در این پژوهش خشونت ورزشکاران فوتبال از منظر حقوق کیفری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. خشونت ورزشی امروزه به یکی از چالش‌های مهم و غیرقابل‌انکار میادین ورزشی تبدیل شده است. مقابله موثر با این معضل نیازمند اتخاذ تدابیر خاص و منطبق بر ویژگی‌های هر رشته ورزشی است. اگر قوانین و چارچوب‌هایی بدون توجه

به خصوصیات ذاتی ورزش‌ها وضع شوند، ممکن است جذابیت‌های آن حوزه کاهش یابد و استقبال ورزشکاران و تماشاگران نیز از میان برود.

نگاهی به قوانین کیفری ایران، از دوره پیش از انقلاب تا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نشان می‌دهد که خشونت ورزشی هیچ‌گاه به‌عنوان یک دغدغه جدی توسط قانون‌گذاری مورد توجه قرار نگرفته است. در قوانین پیش از انقلاب، تنها یک بند از یک ماده به عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن اختصاص یافته بود؛ بنابراین حوادثی که ناشی از نقض قوانین ورزشی محسوب نمی‌شد، جرم تلقی نمی‌گردید و مجازاتی نداشت. پس از انقلاب نیز مقنن به دلیل عدم اشراف کامل بر ویژگی‌های خشونت در ورزش، تنها یک شرط دیگر اضافه کرد که حوادث نباید با قوانین شرعی در تضاد باشند. این رویکرد ناقص باعث شده ورزشکاران و تماشاگران به اشتباه تصور کنند که اعمال خشونت‌آمیز در محیط‌های ورزشی تنها منجر به برخورد انضباطی ساده توسط هیئت‌ها و فدراسیون‌ها خواهد شد، در حالی که همه رفتارهای خشونت‌آمیز نباید تحت حمایت قانون قرار گیرد.

در پاسخ به این مشکل، یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی قانون مجازات اسلامی در زمینه خشونت ورزشی را می‌توان عدم توجه کافی به اصل گروهی بودن قانون‌گذاری دانست. امروزه با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، ارتباط متقابل حقوق با سایر حوزه‌های اجتماعی مانند سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و نیاز به احاطه همه‌جانبه بر این ابعاد، تدوین قانون باید به متخصصان آن حوزه واگذار شود. بدون بهره‌گیری از کارشناسان و بررسی دقیق جوانب امر، قوانین احتمالاً جامع و مانع نبوده و کارایی لازم را نخواهند داشت. بررسی قوانین کیفری ایران از گذشته تا امروز نشان می‌دهد که مقنن نتوانسته اشراف کامل بر جرائم حوزه ورزش داشته باشد؛ نتیجه آن نیز ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که عملاً بلااستفاده مانده و مورد اجرایی پیدا نکرده است.

اما برخورد با خشونت ورزشی الزامی ندارد که صرفاً رویکرد کیفری و سرکوبگرانه داشته باشد. متأسفانه تاکنون این جنبه در سیاست‌ها و قوانین کیفری مغفول مانده است. راهکارهای مبتنی بر کنترل و مدیریت خشم، استفاده از تدابیر پیشگیرانه و همچنین بهره‌گیری از روان‌شناسان ورزشی در کادر فنی تیم‌ها می‌توانند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز داشته باشند. فضای رقابتی حاکم بر ورزشگاه‌ها گاه بازیکنان و تماشاگران را در

شرایطی قرار می‌دهد که اگر این وضعیت را نتوان اجبار به رفتار خشونت‌آمیز دانست، حداقل می‌توان آن را نوعی ترغیب یا تشویق تلقی کرد

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (1387)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: نشر میزان، چاپ نوزدهم .
- انشل، مارک. اچ (1385)، روانشناسی ورزش از تئوری تا عمل، ترجمه علیاصغر مسدود، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم .
- باهری، محمد؛ داور، میرزا علی اکبر خان (1380)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول .
- بسویک، بیل (1386)، روانشناسی در فوتبال حرفه‌ای، ترجمه علی صنعتگر، مشهد: نشر کتاب پردازان، چاپ اول .
- جامپیون جونیور، والتر. تی (1386)، مبانی حقوق ورزش ها مسئولیت مدنی در ورزش، ترجمه حسین آقایی نیا، تهران: نشر دادگستر، چاپ چهارم .
- چلبی، البرز (1389)، حقوق ورزشی، تهران: نشر جنگل - جاودانه، چاپ اول .
- حاج بیگی، محمدرضا؛ مسعودی، احمد رضا (1385)؛ «خشونت و پرخاشگری در فوتبال»؛ فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره 1 و 2، پاییز و زمستان، « و راهکارهای کنترل آن
- رایلی، توماس؛ ویلیامز، مارک (1384)، علم و فوتبال، ترجمه عباسعلی گایینی؛ فتح الله مسیبی و محمد فرامرزی، تهران: کمیته ملی المپیک، چاپ اول .
- رحمتی، محمدمهدی (1386)؛ « تأملی جامعه شناسانه بر تجاری شدن ورزش »، نشریه حرکت، دوره 32، شماره 32، آبان .
- زارعی، مصطفی؛ رهنما، نادر؛ بمبئی چی، عفت (1388)؛ « آسیب های سر در بازیکنان » مجله پژوهش در علوم ورزشی، شماره 24، پاییز 1388.
- ساک، محمدرضا (1387)، حقوق جزای عمومی با لحاظ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات جنگل - جاودانه، چاپ اول .
- شعبانی مقدم، کیوان؛ طاهری، حمیدرضا؛ یوسفی، بهرام (1388)، حقوق ورزشی، کاشان : انتشارات اندیشه های حقوقی، چاپ اول .
- شکری، نادر (1391)، حقوق ورزشی، بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی ایران، تهران : انتشارات جنگل - جاودانه، چاپ دوم.
- شیخوندی، داوود (1373)، جامعه شناسی انحرافات آسیب شناسی جامعه، تهران : نشر مزیدیز، چاپ اول .
- صفری، صادق (1393)، ارزیابی سیاست کیفری ایران در قبال خشونت ورزشی (با تأکید بر رشته ورزشی فوتبال)، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد .
- کاتوزیان، ناصر (1378)؛ « خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی »، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره 43، بهار 1378 .
- گیل، دایان (1383)، پویاییهای روانشناختی در ورزش، ترجمه نورعلی خواجهوند، تهران: نشر کوثر، چاپ اول .

- محسنی تبریزی، علیرضا؛ رحمتی، محمدمهدی (1381)؛ «سیری در مفاهیم و نظریه های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علی -توصیفی خشونت در ورزش»، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره 19 ، بهار و تابستان 1381.
- محسنی، رضا علی (1388)، تحلیل رفتار پرخاشگری و خشونت ورزشی با تأکید بر رهیافت روانشناختی اجتماعی»، فصلنامه جامعه شناسی، سال اول، شماره سوم، تابستان 1388.
- نجفی پور، فرشاد (1386)، خشم و خشونت، تهران: نشر نسل نواندیش، چاپ اول .
- واعظ موسوی، محمدکاظم؛ شجاعی، معصومه (1383)، «فراوانی رفتار پرخاشگرانه و جرأت‌مندانه در موقعیتهای برد، باخت و مساوی در ورزش های دسته جمعی مقطع متوسطه المپیاد دانش آموزی»، فصلنامه المپیک، سال دوازدهم، شماره 25 ، بهار 1383.
- ولیدی، محمد صالح (1382)، بایسته های حقوق جزای عمومی ، تهران: انتشارات خورشید، چاپ اول .
- وودز، باربارا (1385)، روانشناسی ورزشی، ترجمه فتحالله مسیبی، تهران: نشر بامداد کتاب، چاپ اول .